

# نمایشنامه دزد و شاه دزد

بازیگران ۴ نفر

۲ نفر دزد و صاحب خانه دزد و پلیس

دزد اول مجید: همین جاست خونه یکی از ثروتمندان است ۲ ماشین داره یکیش شنیدم فراری

دزد دوم من خیلی نیاز به ماشین دارم من ماشین روشن میکنم تو برو داخل اشیاء قیمتی را بردار بیار

دزد اول منم چون تحت تعقیبم و فراریم ماشین فراری بر میدارم

دزد دوم دست میگیره دزد مجید وارد خونه میشه و در را باز میکنه

دزد مجید. بیا تو

دزد اول کو پس ماشین ها اینجا که دوچرخه هم پیدا نمیشه

دزد دوم عجب چیزی توی حیاط پیدا کردم دسته هم داره

دزد اول کو کو

دزد دوم اینهاش

دزد اول احمق جان اون فرقون توی عمرت فرقون ندیدی

دزد اول در حال را باز میکنند و به اتاق وارد میشوند

دزد دوم اینجا چقدر کثیف هست و چقدر تخمه ریخته

دزد اول آخ پام از (کف پاش تخمه سالم وانو مزه میکنه) و چقدر تخمه های مزه کهنه گی میدهد

دزد دوم اینجا هیچی پیدا نمیشه فقط چای (کمی از چای میخوره و میگه) اوه چه چای مزخرفه هر چه هست

چای خارجی و گرنه چای ایرانی طعم عالی داره

دزد اول با. بیا بیا من ایندفعه چیزی گران پیدا کردم همینو ببریم عالی

دزد دوم چیه یک دفترچه حساب تسهیلاتی

دزد اول. تو چقدر احمقی اون باید امضا داشته باشه بعدش هم اون پولهاشو گذاشته توی حساب و هر ماه

سود میگیره واسه همین تنبل و بی خاصیت شده

دزد اول (چند عطسه میزنه و یک عطسه بلند صاحب خانه که خواب بود بیدار میشه)

صاحب خانه با چند خمیازه بیدار میشه

دزد اول من میرم تو توالت مخفی میشم

دزد دو منم میرم پشت آئینه مخفی میشم

صاحب خانه (در حال کشیدن دستهایش به طرف دستشویی میرود و دست بر تسمه شلوار)

دزد اول هه هه چرا در نمی زنی خجالت خوب چیزیه

صاحب خانه خدایا کی تو خونه هست مادرم که بازاره زهرا رفته مدرسه بابام در مغازه هست (میاد دوباره طرف توالت و میگه زهرا

دزد اول هه هه

صاحب خانه . بابا اومدی خونه

دزد اول هه هه

صاحب خانه دفعه دوم وارد توالت میشه

دزد اول هه هه تو شرم نمیکنی برو

صاحب خانه باز مجدد حساب میکنه مادر رفته به خرید رهرا رفته مدرسه بابام در مغازه و پولهاشو از بانک گرفته و دیگه دنبال سود نیست که تو خونه باشه و پس هیچ کس نیست دوباره میاد به طرف دست شویی

دزد اول همین طور که میاد بیرون می گه تو خجالت نمی کشی تو شرم نمی کنی ناگهان صاحب خانه رو شو برمیگردونه تو کی هستی تو خونه من چه می کنی

دزد اول منو نمی شناسی من دوست پدرتم تو اداره

صاحب خانه پدرم اصلا اداره نیست

دزد اول منو نمیشناسی باهم مدرسه کلاس اول معلم آقای خزایی

صاحب خانه نه من اصلا درس نخوندم

دزد اول من پسر خاله .....جنم

صاحب خانه قش می کنه

دزد اول به دمی میگه بیا فرار کنیم نژی ئومی میاد نگاه به صورتش میکنه نهمیره مرگش بیفته به گردنمون بیدارش کن و دزد دوم میره سر جاش

دزد اول آب می پاشه بیدار شو

صاحب خانه بیدار میشه تو کیستی با آرامی

دزد اول من پسر عمه جنم

صاحب خانه دفعه دوم قش می کنه

دزد اول . بیدارش میکنه

صاحب خانه بلند میشه نگفتی تو کیستی

دزد اول من پسر دای تو هستم

صاحب خانه حیف من اصلا دایی ندارم

دزد صبر کن من پسر عمتم

صاحب خانه عمه من ۳ سال پیش تصادف کرد تو جاده شادمهر فقط دختر داره

دزد اول نمی دونه چی بگه من پسر عموتم

صاحب خانه با عصبانیت من اصلا عمو ندارم

دزد اول . نکنه تو خانواده ات منقرض شده چون همه مردند من دوست کوچه تونم باهم تو کوچه فوتبال

بازی می کردیم

صاحب خانه گفت نه مگه ما دایناسوریم که منقرض بشیم با عصبانی بیشتر گفت ما خونمون کوچه نداشته

ونداره اطارفموون بیابان خونه خرابه ست

دزد اول / دیگه نمیدونست چی بگه فرار کرد

صاحب خانه میاد جلو آئینه (و هر کاری می کنه دزد هم انجامش میده )

صاحب خانه .(می چرخه ودر آخر مچ دست دزد می گیره شما ؟

دزد دوم. بب بب ب بخشین غلط کردم

صاحب خانه الان زنگ میزنم ۱۱۷

دزد دوم ببخشین اون مخابراته

صاحب خانه الان زنگ می زنم به ماموران شریف ۱۱۸

دزد دوم بابا اون مخابراته

صاحب خانه الان زنگ میزنم به مخابرات شماره ۱۱۰ از ۱۱۸ می گیریم مگه کاپشتتو در بیاری؟

دزد دوم نه کاپشنم یادگاری از مادر بزرگمه برام عزیزه

صاحب خانه . وقتی لباس را میگیره میگه خیلی ساعتت چشم منو گرفته زود درش بیارش

دزد دوم نه دیگه حرف اینو نزن این سوغات مادرمه از مکه

صاحب خانه . ازش میگیره وبعد میگه خیلی چشمم گرفته

دزد دوم .چی چشمتو گرفته دست از سرمن بردار اصلا زنگ بزن

صاحب خانه شماره ۱۱۰ میگیره الو لطفا بیایید به خیابان که گل فروشی دارع میایید تا ته کوچه دیگه نیایید  
بعد درب زرد رنگ در بازه

دزد دوم دید داره راست میگه وهنوز دستش تودست صاحب خانه هست گفت چی می خوایی

صاحب خانه .گفت شلوارتو در بیار که شلوارم پاره هست

پلیس .یالا یالا میاد داخل صحنه میگو که زنگ زده

صاحب خانه من من زنگ زدم لطفا بیاید این دزد ببرینش آمده خونه من دزدی

پلیس یک نگاهی به تبلتش میکنه عجب من ۴ ماهه دنبال تو می گشتم ای صاحب خانه لطفا دستتون بدین

صاحبخانه . اشتباهه گرفتین من زنگ زدم

پلیس < نه من اشتباه کنم اصلا ایدا لطفا با زبون خوش دستتون بدین دستبند میبندد بعد رو می کنه

پلیس بی زحمت دستتون بدین بینم

دزد دوم نه من دزد نیستم اومدم مهمونی

پلیس از کی تا حالا ساعت ۲ صبح میایین مهمونی

دستتو بینم ناخن هاتو گرفتی تا دستشو میاره جلو

به دزد دوم یه دستبند می بنده هر دو را میبره تمام دزد وشاه دزد